

# بکرانه

ماهنامه سیاسی انجمن اسلامی  
دانشجویان دانشگاه الزهراء (س)  
ویژه نامه انتخابات ریاست جمهوری  
سال پنجم / شماره ۴۵ / بهار ۱۴۰۰

شرایط شورای نگهبان برای داوطلبان انتخاباتی  
ویرانی خانه امن پدر خوانده  
ما و شما شبح رئیس جمهور  
سلبریتیزاسیون کاندیدای نظامی  
انتخابات پوششی  
کانال کشی ذهن  
از اولویتهای کشور تا انتخاب اصلاح

## سخن سردبیر:

# #نه\_به\_رای

این روزها مهم ترین خبر رسانه ها و محافل عمومی و جمعی انتخابات است. در هیاهوی ثبت نام و تایید صلاحیت حرف های بسیاری رد و بدل می شود اما یادمان نرود که مسئله ی اصلی چیست. این خوب است که بدانیم چه کسی ثبت نام می کند، چه کسی از سوی شورای نگهبان تایید صلاحیت می شود و چه کسی رد صلاحیت می شود اما مهم تر از اینها مسئله ی مشارکت است. جمهوری اسلامی ترکیبی از جمهوریت -مردمی بودن و اسلامی -دینی بودن است. منافقان و دشمنان جمهوری اسلامی اگر سنگ اندازی ای در امورات جمهوری اسلامی ایران دارند یکی از اصلی ترین اغراض آنها گرفتن یکی از همین دو مقوله مردمی بودن و یا دینی بودن آن است. حال اصل مشارکت مربوط به بعد مردمی جمهوری اسلامی است و متأسفانه تعدادی از افراد جامعه حوالی انتخابات مجلس شورای اسلامی و همینطور این روزها گمان می برند که با شرکت نکردن در انتخابات و راه اندازی هشتک های نه به مشارکت و نه به رای (#نه\_به\_رای) می توانند اعتراض خود را به نظام جمهوری اسلامی ایران نشان دهند و این عملکرد آنها در برابر وضع اقتصادی خراب کنونی است. اما با کمی تامل در میابیم که عامل اصلی این وضع کنونی فقط دولت دو دوره ی پیش نبوده است بلکه خودمان -ما مردم- بودیم که با رای خودمان این دولت را بر سر کار آوردیم و حالا باید از خودمان انتقام بگیریم نه از جمهوری اسلامی برای داشتن دولتی چنین.

خیلی از ما آدمها عادت داریم اشتباهات خودمان را گردن دیگران بیاندازیم. بیایید اشتباه خود را به گردن بگیریم.

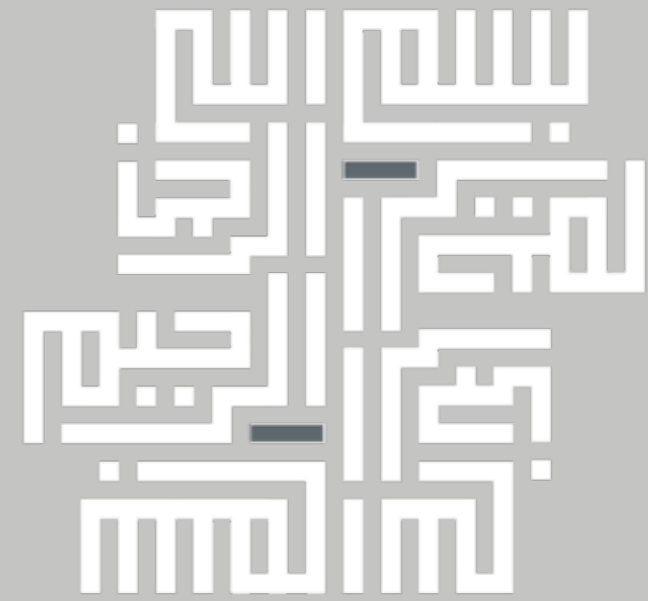
از ابتدای انقلاب اسلامی تا کنون همیشه رای مردم تعیین کننده بوده است و بعد مردمی بودن انصافا در جمهوری اسلامی پر رنگ بوده است و خواهد بود. اما ما که انتخاب کنندگان دولت قبلی بوده ایم حالا خرابکاری های دولت را برگردن نظام و شورای نگهبان و... می اندازیم بدون اینکه اندکی فکر کنیم که نقش ما در این خرابکاری ها چه بوده است. کمی بیاندیشیم و اعتراض را به خودمان بکنیم نه به جمهوری اسلامی و شورای نگهبان. با یک رای صحیح خود در صندوق دشمن را نا امید کنیم و حضور حداکثری پای صندوق های رای داشته باشیم و با عدم مشارکت خود دل دشمن را شاد و بعد مردمی جمهوری اسلامی را نابود نکنیم.

در پاسخ به کسانی که می گویند عدم مشارکت ما نشانه ی اعتراض ماست باید گفت اعتراض واقعا به چه کسانی وارد است؟ آیا رای دهندگان دوره های قبلی مورد اعتراض نیستند و فقط مسئولان هستند که عامل اشتباه اند؟

و در پاسخ به آن دسته از مردم که می گویند ما با افراد تایید صلاحیت شده ی شورای نگهبان موافق نیستیم و رای نمی دهیم باید گفت: چرا عدم مشارکت؟ شما مشارکت کنید ولی اگر کاندیدای مورد نظر خود را نمی یابید برگ رای سفید در صندوق بیاندازید. شما با تایید صلاحیت کردن شورای نگهبان مشکل دارید یا با جمهوری اسلامی؟ اگر مشکل را از شورای نگهبان می دانید پس ریشه ی جمهوری اسلامی را با نابودی بعد مردمی آن نزنید بلکه با آراء سفید خود اعتراضتان را نشان بدهید.

البته بماند که عدم اعتماد بی مورد مردم به شورای نگهبان نیز یعنی عدم اعتماد به یکی از ارکان مهم انقلاب و جمهوری اسلامی و این هم یعنی نابودی کشتی جامعه ایرانی اسلامی خودمان.

کوثر پاریزی - سردبیر



## شناسنامه:

نشریه سیاسی دانشجویی بی تعارف / سال پنجم / شماره ۴۵ / بهار ۱۴۰۰ / ویژه نامه انتخابات ریاست جمهوری

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س)  
مدیر مسئول: معصومه کرمی  
سردبیر: کوثر پاریزی

هیئت تحریریه: زهرا صحرا نورد، زهرا عظیمی، مهرنازخان زاده، فاطمه هراتی نیک، بهار سعیدی، زهرا جوان، کوثر پاریزی  
همراهان این شماره: مژگان صلابی، فاطمه علیزادینیا، مرضیه انبری

ویراستار: زهرا جوان  
صفحه آرا: مرضیه انبری

کارشناس نشریات: خانم زهرا وزیر

شماره تماس: ۰۲۱۸۸۰۴۸۰۲۶  
۰۹۰۱۳۸۶۴۴۹

@anjoman\_eslami\_alzahra  
@anjomanalzahra

## فهرست:

- ۱..... سخن سردبیر
- ۲..... شرایط شورای نگهبان برای داوطلبان انتخاباتی
- ۴..... شیخ رئیس جمهور
- ۶..... از اولویت های کشور تا انتخاب اصلح
- ۸..... پدرخوانده
- ۱۰..... کاندیدای نظامی
- ۱۱..... انتخابات پوششی
- ۱۲..... ما و شما
- ۱۳..... کانال کشی ذهن
- ۱۴..... سلبریتی های سیون
- ۱۶..... ویرانی خانه امن

## منتقدان باید ابتدا قانون اساسی را تورقی بکنند و قوانین مربوط به اختیارات شورای نگهبان درباره‌ی شرایط داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری را ببینند و سپس انتقاد کنند

۱۳- داشتن مدرک تحصیلی حداقل کارشناسی ارشد یا معادل آن مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و یا مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

۱۴- ارائه برنامه‌ها و خط مشی‌های اجرایی در چارچوب صلاحیت و اختیارات قوه مجریه مبتنی بر اسناد بالادستی از جمله قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام

۱۵- معرفی مشاوران جهت تشریح برنامه‌ها و توان مدیریتی

۱۶- عدم محرومیت از حقوق اجتماعی در زمان ثبت‌نام

۱۷- فقدان سابقه محکومیت کیفری مؤثر

۱۸- عدم محکومیت قطعی کیفری به جرایم اقتصادی از جمله کلاهبرداری، رشاء و ارتشاء، اختلاس، تبانی در معاملات دولتی، پولشویی، اخلال در نظام اقتصادی کشور و عدم محکومیت به اقدام علیه نظام جمهوری اسلامی ایران

۱۹- وابسته نبودن به گروه‌های غیرقانونی و فقدان سوابق سوء امنیتی از جمله در فتنه سال ۱۳۸۸

۲۰- عدم وابستگی به رژیم گذشته و مؤثر نبودن در تحکیم آن

تا بدین جا شرایط داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری طبق قانون اساسی ذکر شد. همین‌طور لازم به ذکر است که این روزها عده‌ای منتقد تصویب و اجرای این قانون از سوی شورای نگهبان شده اند اما باید متذکر شد که منتقدان باید ابتدا قانون اساسی را تورقی بکنند و قوانین مربوط به اختیارات شورای نگهبان درباره‌ی شرایط داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری را ببینند و سپس انتقاد کنند.

بیش از دو سوم نمایندگان مجلس در بیانیه‌ای از مصوبه شورای نگهبان درباره شرایط داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری حمایت کردند. در بیانیه حمایتی اکثریت مجلس خطاب به شورای نگهبان تأکید شده که مصوبه اخیر «گامی در جهت شفافیت انتخاباتی و حفظ حرمت داوطلبان واقعی و معتقد به رهنمودهای مقام معظم رهبری و سیاست‌های کلی انتخابات» است و بر اساس اختیارات این شورا مطابق قانون اساسی انجام شده است. در واقع شورای نگهبان یکی از نهادهای اصلی جمهوری اسلامی ایران است که به راحتی نباید مورد نقد بی اساس قرار بگیرد و در مواقعی که نقدی بی‌اساس به آن وارد می‌شود، افراد آگاه باید به تبیین جوانب بپردازند. در این مقاله نیز سعی شد این نقد تبیین شود تا افراد ناآگاه مطلع شوند. درمورد اهمیت جایگاه این نهاد مقام معظم رهبری می‌فرمایند: اگر خدای ناکرده روزی شورای نگهبان تضعیف بشود، چه تضعیف حیثیتی، و چه تضعیف هویتی و درونی، مطمئناً ضربهای جبران ناپذیر به انقلاب خواهد خورد.

عمیقشان از مسائل سیاسی اجتماعی اعم از داخلی و بین‌المللی و حضورشان در صحنه‌های سیاسی به‌نجوی باشد که همواره مصالح نظام اسلامی و معیارهای اصیل انقلابی در عملکرد آنها لحاظ شده باشد، به‌گونه‌ای که در میان مردم به این خصوصیت، شناخته و مشهور باشند.

۳- مدیر، شخصی است برخوردار از شایستگی‌های ذاتی و اکتسابی لازم از نظر دانش و مهارت، شخصیت و نگرش‌های فردی و تجربه که توانایی شناخت و استفاده بهینه از منابع انسانی و مادی در کشور را با رعایت حداکثر بهره‌وری و در راستای مأموریت، رسالت و اهداف کلان نظام و ارزشهای حاکم بر جامعه داراست و سوابق او حاکی از موفقیت وی در صحنه‌های مدیریتی کلان باشد.

۴- مدیر، شخصی است که از توانایی پیش‌بینی و عاقبت‌اندیشی نسبت به امور، مبتنی بر عقلانیت و دانش صحیح برای اداره امور کشور برخوردار باشد و در بحران‌ها قدرت حل مشکلات و برون‌رفت از آنها را به نحو شایسته داشته باشد.

بنابراین تعاریف شرایط و معیارهای لازم جهت تشخیص رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری عبارتند از:

۱- سوابق کافی و قابل ارزیابی در فعالیتهای مذهبی و سیاسی از قبیل مکتوبات، سخنرانی‌ها و اعلام مواضع

۲- سابقه تصدی حداقل مجموعاً چهار سال در مناصب ذیل که در احراز مدت جمع سابقه تصدی در یک یا چند مورد از مناصب مذکور کفایت می‌کند:

۱. معاونین رؤسای قوای سه‌گانه

۲. اعضای شورای عالی امنیت ملی

۳. اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام

۴. مدیر مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه کشور

۵. رؤسای سازمان‌ها، مؤسسات و نهادهای دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی در سطح ملی

۶. فرماندهان عالی نیروهای مسلح با جایگاه سرلشکری و بالاتر

۷. رئیس دانشگاه آزاد اسلامی در سطح کشور

۸. استانداران

۹. شهرداران شهرهای بالای دو میلیون نفر جمعیت

۱۰. اشخاص، مقامات و مدیران هم‌تراز مناصب فوق به تشخیص شورای نگهبان

۱۱- سلامت و توانایی لازم جهت ایفای مسئولیت‌های ریاست جمهوری

۱۲- حداقل سن ۴۰ سال تمام شمسی و حداکثر سن ۷۵ سال تمام شمسی در هنگام ثبت‌نام

# شرایط شورای نگهبان برای داوطلبان انتخاباتی

زهرا صحرانورد

امام خمینی(ره) می‌فرماید: شورای نگهبان در حرف و اقدام و کار خودش، امین و مؤتمن است و همه موظفند که به چشم امین به آن نگاه کنند.

اصل ۱۱۵ تا ۱۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شرایط انتخابات ریاست جمهوری را ذکر کرده است. مقام معظم رهبری سیاست‌های کلی انتخابات را در چند بند در اختیار شورای نگهبان قرار داده است که به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شورای نگهبان، در اجرای جزء ۵ بند ۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری، تعریف و اعلام معیارها و شرایط لازم برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری بر عهده شورای نگهبان قرار داده شده است و با توجه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تعریف، معیارها و شرایط مذکور در سال ۹۶ در جلسه شورای نگهبان به تصویب رسید و در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۸ در این شورا مورد اصلاح قرار گرفت.

شعائر و مناسک دینی در زندگی فردی و اجتماعی از برجستگی ویژگی‌های برخوردار باشد، به‌گونه‌ای که در میان مردم به این خصوصیت، شناخته و مشهور باشند.

۲- رجال سیاسی، رجالی هستند که قدرت تحلیل و درک آنها از مسائل و پدیده‌های سیاسی به جهت آگاهی

رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری ازسوی شورای نگهبان بدین صورت تعریف شده است:

۱- رجال مذهبی، رجالی هستند که آگاهی لازم به دین اسلام و مذهب تشیع داشته و تدین و تقیدشان به انجام

# شبح رئیس جمهور

کف ملاک‌های ما برای یک رئیس‌جمهور / بدون رئیس‌جمهور واقعی راهی برای قرار گرفتن ذیل سایه‌ی تمدن اسلامی نداریم

مرضیه انبری

در ایران فرصت برای انتخاب رئیس‌جمهور محدود است فرصتی که از پروسه برگزاری امتحانات دانش آموزی یا دانشجویی هم ممکن است کوتاه تر باشد و این دلیلی است که گاهی شعارها حکمران شعور انتخابکنندگان می‌شوند و اولویت‌ها به فراموشی سپرده می‌شود و اشباح کت و شلواری یا عمامه به سر نهایتاً خود را بدل از رئیس‌جمهور آرمانی می‌گیرند.

برای انتقاد از گذشتگان وقت کمی باقی مانده و نتیجه‌ای برای ما در پی نخواهد داشت اما نگاه به آینده مستلزم دقت در چند مسئله است.

با جستجوی ساده در فضای مجازی میتوان به ملاک‌هایی که رهبرانقلاب طی سال‌های متمادی برای رییس‌جمهور اصلح بیان کرده‌اند دست یافت اما صحبت از چند مورد با دیدگاه دانشجویی ضرورت بیشتری دارد.



**+** **گفتمان:** تجربیات تلخ دهه هشتاد و اوایل دهه نود و مردی که تصمیم گرفت دیدگاه های قبلی خود را تغییر دهد نسل ما را ناچار میسازد از چنین قماری بر حذر باشیم و اگر رئیس‌جمهور منتخب را قرار است در مسیر تمدن اسلامی تصور کنیم چنین شخصیتی قطعاً باید صاحب گفتمان اسلامی در سیاست باشد و صاحب تفکری که او را به مراتب بالاتر از یک رجل مذهبی اسمی قرار میدهد. رئیس‌جمهوری که مستقلاً به یک گفتمان اسلامی ایرانی دست نیافته باشد این اطمینان را نمیدهد که همواره مواضع واحد اتخاذ کند و از آفت تحت تاثیر اطرافیان خناس قرار گرفتن در امان باشد.

**+** **برنامه مدون:** ارتقای سطح انتخابات وابستگی زیادی به ارتقای مواضع کاندیدها دارد و این مهم نیز بسته به آن است که مخاطبان حرف‌های معنا دار را بجای شعارها و وعده‌های زودگذر طلب کنند. ارائه برنامه‌ی اداره کشور هرچند به صورت مختصر و گذرا بستر گفتگوهای منطقی پیرامون مشکلات واقعی مردم را فراهم می‌کند و مجالی برای طرح شعارهای زرد باقی نمی‌گذارد. قطعاً شایسته‌ترین فرد کسی است که برنامه جامع‌تری و راه‌حل‌ها مطلوب‌تری ارائه دهد و در شرایط تحریمی فعلی، وابستگی به نفت، تولید انرژی به روش‌های سنتی و ... راه‌حل و ایده‌ی خود را برای مشکلاتی نظیر آنچه گفته شد مطرح کند. در حالی که اگر این فرهنگ طلب برنامه از کاندیدها جاری نشود همچنان شاهد هدایت کشور با شعارهای پوپولیستی حول محور آزادی و مردم داری های نمایشی خواهیم بود و روند رشد اقتصاد کشور به کندی گذشته پیش خواهد رفت.

و نهایتاً اینکه اصلح باید جامع‌ترین گزینه باشد در اقتصاد، فرهنگ، سیاست و ... تا توان ریاست بر جمهوری ایران و ده‌ها شورا و نهاد فرهنگی سیاسی اقتصادی و تصمیم‌گیری در هر کدام از این حوزه‌ها را داشته باشد در غیر این صورت به افت تک بعدی که در گذشته شاهد آن بودیم دچار می‌شود یکی فرهنگ را رها کرد دیگری سفره مردم را و ... اگر موفق شویم فردی را واجد صفاتی که ذکر شد انتخاب کنیم و البته ملاک‌های بیشتری که بارها رهبرانقلاب بیان کرده‌اند آنگاه میتوان امیدوار بود که رئیس‌جمهور مومن و در مسیر تمدن اسلامی قرار گرفته است، برای اینکه ملت بر دین ملوک را یک قدم جلوتر حرکت دهد. نه عقب و نه در جا ...

تمدن اسلامی بدون یک رئیس‌جمهور واقعی، نه شبح آن، هرگز تحقق پیدا نخواهد کرد.

**+** **سلامت اقتصادی برای عدالت:** در شرایطی که امیدهای مردم با دیدن مفاسد اقتصادی، ویژه‌خواری‌ها مسئولین و خویشاوندان ایشان و تبعیض‌های بسیار به یاس تبدیل شده بیش از هر زمان دیگری باید درباره کارنامه‌اقتصادی کاندیدها، حلقه همکاران و منصوبین ایشان حساسیت نشان داده شود. در غیر این صورت انتظار بیجایی است اصلاح ساختارهای فسادزا در بخش‌های مختلف اداری و بانکی و ... توسط کسی که سلامت اقتصادی او و کسانی که منصوب به وی بوده‌اند تضمین نشده است. انجام چنین اصلاحاتی برای ایجاد عدالت و رفع تبعیض دسترسی به امکانات و تسهیلات از عهده‌ی کسانی برمی‌آید که خودشان سودی در اینچنین مفاسدی نداشته‌اند و همچنین معاشرین آن‌ها، البته شایسته‌تر می‌شود اگر سبک زندگی ساده زیستانه را اتخاذ کرده باشند.

**+** **کار و مدیریت جهادی:** مشکلاتی که در طول زمان روی هم انباشته شده باشند نیازمند تلاش مضاعف برای حل شدن هستند.

اشباح کت و شلواری یا عمامه به سر نهایتاً خود را بدل از رئیس‌جمهور آرمانی می‌گیرند

تمدن اسلامی بدون یک رئیس‌جمهور واقعی، نه شبح آن، هرگز تحقق پیدا نخواهد کرد





آنها نیازمند سیاست‌گذاری‌های دقیق است که مدیران اجرایی برنام‌های روشن به حل گام به گام آنها بپردازند.

اما اولویت بعدی، «مسئله امنیت کشور» است. البته بخش مهمی از تامین امنیت با همکاری نیروی مسلح و وقایع سه گانه صورت می‌گیرد. ریاست جمهوری باید در روبرو شدن با سیاست‌های پیچیده دنیا نهایت ذکاوت را به کار گیرد و در روابط دیپلماتیک، عرصه آسیب و نفوذ به داخل کشور را برای بیگانگان باز نکند.

اولویت مهم دیگر «مسئله فرهنگی» است؛ ریشه‌ی آسیب‌های اجتماعی کجاست، علاج آن‌ها کدامند و چه برنامه‌ای برای عزت‌مندی هویت و فرهنگ ایرانی - اسلامی تدوین گردیده است.

حالا اگر رای دهندگان با گفتمان «اولویت محوری» و مرجعیت اولویت‌های روز کشور به مطالبه از کاندیداتوره‌های انتخاباتی بپردازند بی‌شک سرنوشت متفاوت‌تری رقم خواهد خورد نسبت به اوضاعی که بجای رجوع به اولویت‌ها و دغدغه‌های روز جامعه به مسائل حاشیه‌ای التفات شود. مسائلی از این قبیل که گاهی نهایت اهمیت آنها در محتوای چند رسانه ای خلاصه می‌شود که توسط پلت فرم‌های مجازی از اکانتی به اکانت دیگر، بازدید می‌خورد و تنها احساسات و هیجانات آنی عوام را برمی‌انگیزد؛ و برانگیختن هیجانات جمعی همانا و تغییر سیاست‌ها همانا...

بیهوده نیست اگر بگوییم لازمه حل و فصل مسائل، وجود رئیس جمهور ذی صلاح و شایسته است. رئیس جمهوری که برای تقویت اقتصاد، با عملکرد جهادی و انقلابی، معتقد به جوانان به عنوان پیشبران حرکت عمومی کشور، حامی تولید ملی به معنای واقعی کلمه و همچنین عدالت خواه و کوشا در مبارزه با فساد دستگاه اجرایی، سیاست حفظ عزت ملی و سربلندی ملت مقابل استکبار در عملکرد دولت منتخب وی مشهود باشد.

آنچه که در انتخابات مسلم است ابتدا «شناخت اولویت‌ها» می‌باشد؛ البته پس از شناخت نیز باید مراقب پروپاگاندا و جنگ رسانه‌ای گسترده بود که با اصالت بخشیدن به موضوعات فرعی؛ تمرکز جمعی عموم مخاطبان را به خود جلب می‌کند. ثانیاً «مطالبه طرح و برنامه راهگشا از نامزدها» و بررسی صحت و سقم آنها با رویکرد واقع گرایانه است. این دو گام لازم و ملزوم یکدیگر هستند و رای دهندگان را برای انتخاب اصلح حرکت خواهند داد.

ایران، دارای ظرفیتهای بزرگی چون: نیروی انسانی تحصیل کرده و جوان، منابع، معادن و مخازن انرژی، تنوع آب و هوایی و موقعیت جغرافیایی ممتاز می باشد. که با این وجود، عدم توجه به اولویت های اصلی کشور، ضعف مدیریتی و سیاست ورزی‌های نامناسب، کشور را با مشکلات و صدها مسائل اساسی روبرو ساخته است؛ در حالی که ایران با چنین سرمایه‌های قابلیت دارد تا جزء بهترین اقتصادهای جهان قرار بگیرد.

اولین و مهمترین اولویت کشور در حال حاضر، «مسئله اقتصادی» بوده که خود، شاه کلید حل بسیاری از مسائل روز جامعه از قیمت مرغ و تخم مرغ تا ازدواج جوانان و سفره معیشت خانواده می‌باشد؛ و علی‌الخصوص، پس از شوک ارزی سال ۹۷، اقتصاد نابسامان تبدیل به بحرانی گریبانگیر شد.

### از جمله مهم‌ترین معضله‌های اقتصادی را می‌توان به شرح زیر نام برد:

افزایش تورم و کاهش ارزش پول ملی، افزایش فقر و شکاف درآمدی، افزایش بیکاری، کاهش شدید سطح درآمد سالانه، بن‌بست مسکن و قیمت‌های سر به فلک کشیده آن، مسئله فروش نفت، عدم انعطاف قوانین و ضوابط در جهت رونق تولید و استفاده از ظرفیت‌های موجود، کاهش تولید ناخالصی داخلی، کاهش صادرات، کسری بودجه و نظام بانکداری ناکارآمد و کسب درآمد بانک‌ها از طریق «بنگاه‌های دلالی» و «فروشگاه سازی» و حمایت از تولید و ارتقاء توان تسهیلات دهی به بخش‌های مولد.

اینها تنها بخشی از گرفتاری‌های اقتصادی کشور بودند. چاره‌ی

افزایش تورم و کاهش ارزش پول ملی، افزایش فقر و شکاف درآمدی، افزایش بیکاری، کاهش شدید سطح درآمد سالانه، بن‌بست مسکن و قیمت‌های سر به فلک کشیده آن، مسئله فروش نفت، عدم انعطاف قوانین و ضوابط در جهت رونق تولید و استفاده از ظرفیت‌های موجود، کاهش تولید ناخالصی داخلی، کاهش صادرات، کسری بودجه و نظام بانکداری ناکارآمد و کسب درآمد بانک‌ها از طریق «بنگاه‌های دلالی» و «فروشگاه سازی» و حمایت از تولید و ارتقاء توان تسهیلات دهی به بخش‌های مولد.

# از اولویت‌های کشور تا انتخاب اصلح

بررسی اولویت‌های روز کشور و لزوم مطالبه آنها از کاندیداتورها، دو گام مهم تا وصول به انتخاب اصلح

زهرا عظیمی

کمتر از دو ماه تا انتخابات ریاست جمهوری مانده و این روزها بازار احزاب با هر گرایش سیاسی ای داغ تر از همیشه است. اهمیت انتخابات از این باب پررنگ می‌شود که مهمترین و موثرترین مدیریت کشور تعیین می‌گردد. انتخابات، نماد وحدت ملی و نه تفرقه و جنگ دیپلماتیک است.



# پدر خواننده

فاطمه علیزادیه

جریانهای سیاسی پدیده ای بسیار مهم و نقش آفرین در تاریخ سیاسی و تحولات جامعه به شمار می آیند. مقصود از جریان سیاسی یک حرکت سیاسی پویا و زنده است که با برخورداری از ایدئولوژی مشخص و گرایش های فکری درونی به مدد رهبران خود بر نظام سیاسی و نیز اقشار مختلف جامعه تاثیر می گذارد و جبهه، جناح، حزب، سازمان یا نهاد و گروه خاص خود را بنیان می گذارد.

در حقیقت آگاهی یافتن اینکه هر جریانی از چه ماهیت فکری برخوردار است و نقاط قوت و ضعف آن چیست به ویژه برای نسلی که جستجوگر تاریخ رویش، پویا و خیزش جریان هاست بسیار ضروری است. چراکه با شناسایی جریان ها، مواضع و ویژگی های آن ها باعث برخورد آگاهانه، هوشیارانه و سنجیده تر در حال و آینده خواهد شد و به آنها کمک می کند تا راه طی شده و وضع موجود را به خوبی درک کنند و در تله های تاریخی مانند معذرت خواهی های تکراری و اشک های ویتیرینی نیفتند.

جریان های حاکم در نظام سیاسی را نمی توان بطور کامل و دقیق مشخص کرد زیرا برخلاف احزاب و یا جمعیت ها، این جریانات نه دارای اصول مکتوب و نه دارای ایدئولوژی خاصی هستند بلکه فرآیندی هستند که در مقابل تحولات و رویدادهای روزمره عکس العمل نشان داده و خود نوعی از سیاست در این مورد به وجود می آورند.

به عبارت بهتر بتورها، ارزش ها و آرمان ها در مقابل عنصر قدرت، اقتصاد و اجتماع در بین این جریانات نمایان می شود.

## + نظریه آشوب

جامعه شناسان سیاسی چون استین روکان نروژی و حسین بشیریه در ایران تلاش کرده اند به تبیین جریانات سیاسی در دوره های مختلف بپردازند. فرضیه اصلی آنها این است که شکاف های اجتماعی همواره تعیین کننده نوع خواسته های نیروها و گروه های مختلف و جریانات سیاسی است. به بیان دقیق تر احزاب و نیز جریانات سیاسی ترجمان

هدف نهایی جریان های سیاسی کسب قدرت و استقرار نظام سیاسی مورد نظر است که آن را از طریق راهبردها و راهکارهای متفاوت پی می گیرند.

کارکردهای یک جریان فکری-سیاسی به اختصار شامل شناسایی و معرفی رهبران، کادرسازی، بسیج مردمی و... است. این کارکردها در مجموع می توانند به مردم ثابت کنند که این گفتمان تا چه اندازه ای می تواند در تعیین سرنوشت مردم و نظام سیاسی کشور نقش آفرینی کند.

درک درست از تحولات سیاسی اجتماعی ایران به خصوص در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی از نیازهای مبرم نسل کنونی است و این هدف ترازگذاری نمی شود مگر منابع، اطلاعات و تحلیل درست، صادقانه و علمی درباره تحولات در اختیار ما قرار گیرد.

اطلاعاتی ورای ورق پاره هایی که به اسم سیاست داخلی و خارجی تدریس می شوند. اطلاعاتی که با صداقت کامل مفهوم پدرخواندگی جریانات سیاسی را نه تنها رد که اثر آن را در سپهر سیاسی ایران با دقت نظاره می کند. این مهم زمانی اهمیت مضاعف می یابد که بدانیم جریانات سیاسی از حیث وابستگی یکسان عمل نمی کنند.

به بیان دیگر شناخت صحیح مسائل سیاسی جامعه در گرو شناخت این جریانات و پدرخوانده های پشت پرده آن ها است. همانانی که در ظاهر برای مشکلات معیشتی و قوت لایموت مردم اشک جانسوز می ریزند و در خفا برای کسب کرسی های قدرت فشار اقتصادی را بیشتر میکنند تا بدون زحمت به کرسی های خدمت برسند.



شناخت صحیح مسائل سیاسی جامعه در گرو شناخت این جریانات و پدرخوانده های پشت پرده آنهاست. همانانی که در ظاهر برای مشکلات معیشتی و قوت لایموت مردم اشک جانسوز می ریزند و در خفا برای کسب کرسی های قدرت فشار اقتصادی را بیشتر می کنند تا بدون زحمت به کرسی های خدمت برسند.

فشاری در دست پدرخوانده ها باشد تا در مناسبات بین جریان سیاسی حامی او و نظام سیاسی مستقر در حاکمیت جامعه مورد استفاده قرار گیرد.

در حقیقت شناخت نسل امروز جامعه از پدیده دیرباز پدرخواندگی و جریانات سیاسی حامی آنان در گامی مهم در تقویت مبانی نظری و پیشینه عملی آنها است. این تورق تاریخی بویژه برای نسل تحصیل کرده ای که در نخستین تجربه سیاسی خود قصد ورود جدی به کارزار انتخابات ۱۴۰۰ را دارد، میتواند تا حد زیادی میدان اهمیت مشارکت سیاسی مردمی در انتخابات های ادواری نمایان سازد.

شکاف های اساسی موجود در هر جامعه ای به شمار میروند شکاف هایی که خود ناشی از رویدادهای مهم تاریخی آن جامعه اند از نظر روکان شکاف عبارت است از تقابلی که گذرا نیست و برخاسته از متن جامعه می باشد. چنین شکاف هایی به انجماد تمایل دارند و هرچندسالی یکبار براساس منافع پدرخوانده های جریانات سیاسی کشور فعال و پویا می شوند تا اولاً افراد ذی نفوذ این جریانات بخوبی شناسایی شوند تا در موقع نیاز با مذاکره وارد گود اثرگذاری باشند و ثانیاً سیطره و نفوذ این شکاف ها و گسل ها بررسی شود و زلزله های حاصل از فعالیت آنها به عنوان اهرم

# انتخابات پوششی‌ها

وقتی کاندیداهای پوششی از کاندیداهای اصلی سبقت می‌گیرند

بهار سعیدی

مهلت حضور داوطلبان ریاست جمهوری در ایستگاه فاطمی و ثبت‌نام داوطلبان انتخابات ۱۴۰۰ به پایان رسید و این مرحله از انتخابات سپری شد. نکته مورد توجه در رفت و آمدهای این چند روزه وزارت کشور و ۵۹۲ نفری که برای راهیابی به ساختمان پاستور اسم نوشتند؛ تعدد چهره‌های شاخصی بود که به احتمال زیاد از گردنه شورای نگهبان نیز به سلامت عبور خواهند کرد و در گردونه رقابت‌ها باقی خواهند ماند.

این موضوع مسئله‌ای شد تا گمانه‌زنی‌ها برای رویارویی فضای سیاسی کشور با راهبردی تازه تقویت شود؛ راهبرد «کاندیدای پوششی» استراتژی‌ای که در انتخابات‌های گذشته به این شکل شاهد آن نبودیم اما ظاهراً این روزها مورد استفاده دو جریان اصلاح طلب و اصولگرا قرار گرفته است. به شکلی که گویا تعداد نامزدهای پوششی در انتخابات ۱۴۰۰ از تعداد نامزدهای اصلی فراتر رفته است! موضوع نامزد پوششی از انتخابات ۹۲ بود که کمی باب شد؛ تا پیش از آن نه اسمی از آن بود نه در عمل کسی قرار بود دیگری را در انتخابات پوشش دهد و بعداً به نفعش کنار رود. هم‌جناحی‌ها اگر می‌آمدند واقعاً برای یک رقابت درون و برون‌گروهی آمده بودند. انصرافی هم اگر در کار بود، دلایل دیگری داشت.

اگرچه نامزد پوششی هیچ سالی به اندازه امسال رنگ عیان و واضح نداشته است. در دوره‌های قبل می‌شد رگه‌هایی از رقابت درون‌گروهی را بین نامزدهای پوششی دید و از قبل مشخص نبود که دقیقاً کدام نامزدها قرار است پوشش باشند و کدامیک اصلی. تا جایی که هم در گمانه‌زنی‌های انتخاباتی و تحلیل‌های سیاسی به نامشان اشاره می‌شود و هم حتی خودشان از سوی رسانه‌ها در همین باره مورد سؤال قرار می‌گیرند.

مثلاً از پزشکیان سؤال شده که آیا او پوششی جهانگیری است و او گفته من با قدرت در صحنه هستم اما اگر اقبال مردم در جبهه اصلاحات براساس نظرسنجی‌های ملی به یک نفر زیادتر باشد، گفته‌ام به نفع آن فرد کنار می‌روم. اشتباه است که گفته شود نامزد پوششی جهانگیری هستم!

به نظر می‌رسد شکل‌گیری این پدیده را باید شاهکار مدل‌های مناظراتی رسانه ملی در دو دوره انتخابات پیشین دانست. دو جریان سیاسی به خوبی این معنا را درک کرده‌اند که مناظره‌های انتخاباتی تأثیر فراوانی در رای مردم دارد و مناظره‌های داغ نامزدها در انتخابات ریاست جمهوری سال‌های ۸۸ و ۹۲ تأثیر بسیاری در رای مردم داشت.

از اصلی‌ترین دلایل مخرب بودن حضور کاندیداهای پوششی به حاشیه راندن اصل گفتگو و برنامه‌های مدیریتی نامزدها است. همچنین رفتن فضا به سمت دوقطبی‌سازی و دعوای جناحی. جالب است که صدا و سیما به دلیل عدم شکل‌گیری دو قطبی‌ها به مناظره گروهی روی آورد اما این مدل نه تنها مسئله را حل نکرد بلکه تبدیل به یکی از اصلی‌ترین دلایل شکل‌گیری کاندیداهای پوششی و امتداد روند دوقطبی‌سازی‌ها شد. اگر در مناظرات رو در رو فضای دوقطبی بین دو کاندیدا شکل می‌گرفت حالا هم همان فضا فقط به صورت گروهی شکل خواهد گرفت.

تغییر پی در پی دولت‌ها از سقوط کشور جلوگیری کند و هنگامی که استوارترین حامیان از او روی برگرداندند پوتین را نخست‌وزیر اعلام کرد و چند وقت بعد از آن رویداد‌های عجیب روسیه به اوج خود رسید، اختیارات به نخست‌وزیر رسید و پوتین در این شرایط رئیس‌جمهور شد. او توانست شرایط روسیه را تغییر دهد و هم‌اکنون روسیه به یکی از قطب‌های اقتصادی و نظامی جهان تبدیل شده است و کشوری توسعه‌یافته است. اما اوضاع ایران در آستانه‌ی انتخابات خوب نیست. تورم و گرانی سر به فلک کشیده است. اختلاس و اخلال در نظام اقتصادی هم آنقدر زیاد است در کشور که حتی نزدیکان مسئولان عالی‌رتبه با این اتهام در زندان هستند. مردم به طور متوالی هشت سال به یک نفر اعتماد کردند و رای دادند که قول داده بود اوضاع را بهتر کند ولی نه تنها بهتر نشد بلکه بدتر هم شد. که همین امر باعث شد که کشور با مشکلات و چالش‌های بزرگی روبرو شود. حل این چالش‌ها کار آسانی نیست و مردم اعتماد خود را نسبت به دولت از دست داده‌اند. اگر در انتخابات امسال یک نظامی رای بیاورد و نتواند از پس این شرایط و مشکلات بر بیاید و آنها را حل نکند این گونه اعتماد از بین رفته‌ی مردم از دولت نه تنها برنمیگردد بلکه اعتماد مردم نسبت به گردانی که امنیت کشور را تأمین می‌کنند و شاید هم در حالت بدتر نسبت به نظام از بین برود و قوز بالای قوز به وجود بیاید.

قصد در این مقاله مخالفت با کاندیدا شدن نظامی‌ها نیست بلکه به نظر بنده یک نظامی، انقلابی می‌تواند این اوضاع را درست کند ولی نظامیانی که می‌خواهند کاندیدا بشوند باید حواسشان را بیشتر جمع کنند و حساسیت بیشتری به خرج دهند و به نام نظامی بودن برای خودشان رای جمع نکنند که بعداً نتوانند پای حرف‌هایشان بایستند.



## کاندیدای نظامی

کاندید شدن نظامیان در انتخابات چه وجهی دارد؟

مهرناز خان زاده

طبق قانون اساسی هر کسی که شرایط لازم کاندیدا شدن را دارد از نگاه دموکراتیک حق دارد که در انتخابات کاندیدا شود و خود را در معرض رای‌گیری بگذارد. پس ما نمی‌توانیم کسی را از این کار منع کنیم. البته باید به این توجه کرد که شرایط کنونی کشور به گونه‌ای است که جامعه با چالش‌ها و ابرچالش‌هایی روبرو است. که برخی از آن‌ها به شدت پیچیده شده است و هر کسی که می‌خواهد خودش را در معرض رای‌گیری قرار بدهد باید درک درستی از چگونگی برخورد با حل این چالش‌ها داشته باشد.

اینکه امام خمینی(ره) فرموده اند: نظامیان نباید در انتخابات شرکت کنند منظور ایشان این بوده است که نظامیان نباید عضو و طرفدار حزب خاصی در انتخابات باشند وگرنه با کاندیدا شدن آنان برای رای‌گیری مخالفتی نکرده‌اند. از نظر کلی هم قانون با این ماجرا مشکلی ندارد.

پوتین نمونه‌ی بارز یک دولت بناپارتیسم است. پوتین خودش را شخصی جلوه می‌دهد که مرد سرسختی است. یک نظامی تندرو است که با زبان متداول در پادگان‌های ارتشی صحبت می‌کند و در همین حال سیاست‌های داخلی پوتین نیز محافظه کارانه‌تر شده است.

زمانی که پوتین رئیس‌جمهور شد. روسیه ویرانه بود و در عمل به کشوری ورشکسته بدل شده بود، توانایی بازپرداخت بدهی‌های خود را نداشت، بانک‌ها دچار فروپاشی شده بودند، ارزش روبل کاهش می‌یافت. تورم به نزدیک یکصد درصد رسیده بود و مردم روسیه برای دومین بار از سال ۱۹۹۲ همه‌ی پس‌انداز خود را از دست داده بودند. این بود که یلتسین کوشید با

اعتماد از بین رفته‌ی مردم از دولت نه تنها بر نمی‌گردد بلکه اعتماد مردم نسبت به گردانی که امنیت کشور را تأمین می‌کنند و شاید هم در حالت بدتر نسبت به نظام از بین برود

به نظر می‌رسد شکل‌گیری این پدیده را باید شاهکار مدل‌های مناظراتی رسانه ملی در دو دوره انتخابات پیشین دانست

# ما و شما

دوقطبی های انتخاباتی ، تاثیرات سوء آنها بر انتخاب مردم و درحاشیه رفتن مسائل اصلی وکلان به دنبال این دوقطبی سازی

فاطمه هراتی نیک

نزدیک انتخابات که میشویم، بحث های گوناگونی در باب گفتمان های انتخاباتی مطرح می‌شود.

گاه‌ها می‌بینیم که شعار هایی داده می‌شود، اما هیچ کدام به مرحله عمل نمی‌رسند.

اما چیزی که ممکن است خطرناک‌تر و تاثیر گذارتر از شعار های پوچ انتخاباتی باشد، تنش زایی میان نامزد های ریاست جمهوری است.

چرا که طرف های مناظره کننده، هر کدام خواهان ارائه نظرات خودشان هستند و اعتقاد دارند که آنچه آنها می‌پندارند، صحیح‌ترین و بی‌نقص‌ترین، نظرات است.

در این میان، بعضا می‌بینیم که حرف هایی رد و بدل می‌شود و یا اصلا مسیر مناظرات را به سمتی میبرد که نه برای مردم مفید است و نه برای همان کاندیدا.

از افشا گری های متنوع دولتی گرفته تا خانواده های نامزد های مختلف همه اینگونه اند.

اما آنچه در این میان بسیار اثر گذار است، این است که جهت صحبت ها به سمت دو قطبی شدن مناظرات و تنش‌زایی نرود.

طبعاً با توجه به عقاید مختلف نامزد ها، انتظار داریم که همه همسو و هم‌جهت صحبت نکنند، اما آنچه ما مردم انتظار داریم، این است که کسی که خودش را در حد و اندازه ریاست جمهوری می‌بیند، مشکلات مردم را هم به همان اندازه ببیند.

بعضی آقایان در این روند، سعی می‌کنند مشکلات مردم را پشت صحبت های زودگذر ببرند و انگار اساس مشکلات مردم را مثلاً در به ورزشگاه رفتن خانم‌ها می‌بینند.

و یا می‌بینیم که مشکلات اصلی مردم، که حقیقتاً درد جامعه است را نمی‌بینند، و نزدیک انتخابات، حرف های بی‌محتوا برای جمع کردن آراء میزنند.

این سیر را که نگاه کنیم، متوجه میشویم که تمام این صحبت ها و چالش ها، مقطعی بوده و هیچ کدام مرهمی برای زخم های جامعه نبوده و نیست.

اما چه می‌شود کرد که در فرصت حدود ۱ ماهه

# کانال کشی ذهن

مرحان صلیبی

رسانه با پدیده ای به نام جهت گیری ذهن متولد شد در واقع این دو یک دوقلوی همسان بودند که همیشه قل دوم اثرگذاری بیشتر داشت و دارد اما دیده نمی‌شود و مانند سایه و پشتیبان همیشگی در کنار رسانه است و برای لحظه ای او را رها نخواهد کرد البته اینها دو دشمن بسیار توانمند هم دارند:

## + عقلانیت و انصاف

در واقع این عقلانیت است که همواره به انسان امروزی تاکید می‌کند که رسانه ها به دنبال جهت گیری و کانالیزه کردن اذهان هستند و لحظه ای نباید این امر را به فراموشی سپرد اما ممکن است انسان ها همین قوه را نیز دچار لغزش و اشتباه کنند که البته انصاف ممکن است به داد برسد و از این عمل جلوگیری کند.

افراد معمولاً بر اساس اطلاعات به دست آمده تصمیماتی را در زندگی خود اتخاذ می‌کنند که می‌تواند در زندگی خود و یا دیگران نیز اثر بگذارد اما باید این مسئله را در نظر داشت که همین جهت دهی ذهن از به دست آوردن اطلاعات جدید فرد را محروم می‌کند زیرا در حصار خاصی اطلاعات را دریافت می‌کند و عادات رفتاری اجازه شکستن این انحصار را به صورت ناخودآگاه نمی‌دهد.

البته این مسئله فقط مختص به یک طیف خاص فکری نیست بلکه می‌تواند طیف‌های مختلف را در برگیرد در ایام انتخابات این مسئله با شدت و حدت بیشتر و برنامه ریزی دقیق‌تر شکل می‌گیرد و هدایت می‌شود. در حقیقت هدایت ذهن و اثرگذاری بر ناخودآگاه اذهان از ارزش بسیار زیادی برای صاحبان رسانه برخوردار است زیرا بدون هیچ دخالت خارجی و یا تلاش زیاد همان فکر، همان تصمیم گیری و همان کنش گری مطلوب رسانه را انجام خواهد داد. از اثرات کانالیزه کردن اذهان دگرگون کردن حقیقت، واقعی جلوه دادن دروغ‌ها، ایجاد و تقویت تعصب در افراد است.

دگرگون کردن حقیقت یکی از ساده‌ترین نتایج کانالیزه کردن اذهان است به این شکل که واقعیت موجود را با ترفندهایی کم اهمیت جلوه داده و حواشی خیالی(دروغ) آن اتفاق را با بزرگنمایی به چشم مخاطب می‌آورند و این چنین مخاطب را از دریافت حقیقت باز می‌دارند. این اتفاق در مورد دستاورد های بزرگ کشور و همچنین پیشرفت های شگفت انگیز کشور که باعث حس غرور ملی و اعتماد به نفس در

مردم می‌شود توسط رسانه‌های بیگانه و دشمنان یک ملت رخ می‌دهد اتفاقی که به وفور در مورد مردم ایران اتفاق می‌افتد.

نتیجه بعدی که ارمغان کانالیزه کردن ذهن است واقعی جلوه دادن دروغ است. خبری کاملاً کذب را به شکل یک خبر حقیقی نشر داده و از تکنیک اقناع مخاطب استفاده می‌کنند تا نتیجه دلخواه را به دست بیاورند.

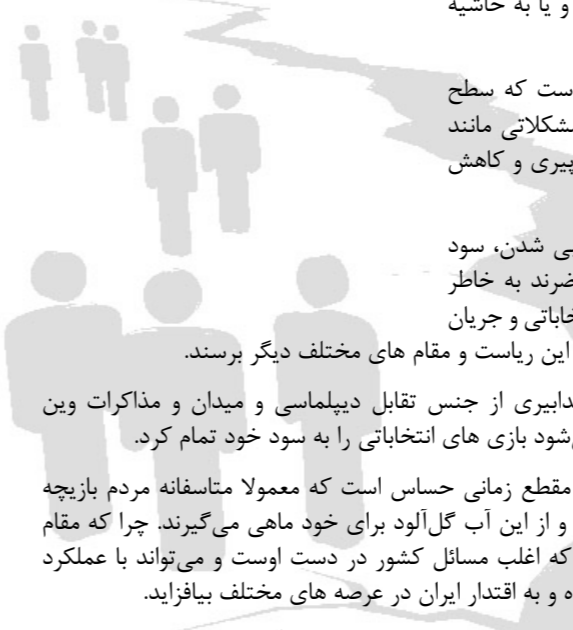
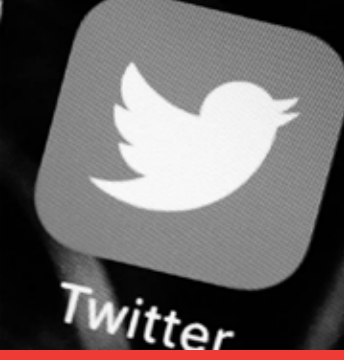
نتیجه و یا مرحله بعدی ایجاد و تقویت تعصب در مخاطبان است. مرحله نهایی در کانالیزه کردن ذهن ایجاد حس آگاهی کاذب در مخاطب است که این احساسات ممکن است منجر به غرور مخاطب شود که از همه مسائل مطلع است و افرادی که این اطلاعات(دروغ یا راست) را ندارند دچار اشتباه و خطا هستند. بنابراین ذره ای از موضع خود که نشأت گرفته از آن اطلاعات است کوتاه نیامده و متعصبانه از آن دفاع خواهد کرد.

در انتخابات کاندیدایی که رسانه قوی تر و درک بهتری از شرایط دارد پیروز می‌شود چرا که برنامه داشتن کاندیداها به چشم تعداد زیادی از مردم نخواهد آمد. بنابراین مخاطب باید هوشیار باشد تا در گیر و دار این کانال کشی‌ها قرار نگیرد. کانالی که از ذهن تک تک مخاطبان آغاز شده و به سرچشمه تفکر صاحبان رسانه می‌رسد تا خوراک ذهنی مورد قبول خودش را در این کانال کشی جاری سازد بنابراین اسیر این کانال کشی ها شدن مخاطب را از واقعیت دور می‌کند.

اگر رسانه حرف حق را زده و مخاطب تنها از یک کانال و بستر خاص اتفاقات را پیگیری کند سبب می‌شود که از عقاید مختلف اطلاع نداشته و به موقع نتواند با منطق و دلیل و برهان از حق دفاع کند و از طرفی اگر رسانه اخبار کذب و یا واقعیات دستمالی شده را در اختیار مخاطب قرار دهد ذهن او را از حق و حقیقت دور خواهد کرد که ظلم کمی نیست بنابراین مهم ترین مسئله این است که اذهان افراد اسیر این کانال کشی‌ها نشوند.



همین جهت دهی ذهن از به دست آوردن اطلاعات جدید فرد را محروم می‌کند زیرا در حصار خاصی اطلاعات را دریافت می‌کند و عادات رفتاری اجازه شکستن این انحصار را به صورت ناخودآگاه نمی‌دهد





# سلبریتیزاسیون

## انتخاب آگاهانه در حصار تبلیغات منفعت طلبانه سلبریتی ها

زهرا جوان

افزایش آگاهی عمومی، رقابت سالم سیاسی، به میدان آوردن مردم و تقویت جامعه مدنی با برقراری ارتباط مردم و حکومت صورت می‌گیرد. حاکمیت و مردم بازیگران اصلی عرصه سیاستگذاری اند؛ اما از آنجا که ارتباط مستقیم بین حاکمیت و مردم وجود ندارد، رسانه‌ها نقش کانال ارتباطی مردم با حکومت را ایفا می‌کنند؛ اما چون این کانال ارتباطی یک طرفه بوده، به علت تنوع، کثرت و پراکندگی نظر بین مردم، افراد یا گروه‌هایی نظیر احزاب، رسانه‌های جمعی و نخبگان این نمایندگی را عهده دار می‌شوند. اگرچه امروزه در برابر سربر آوردن تعداد کثیری از مرجع‌ها و مرجع‌نماهایی که به یمن فناوری‌های نوین، ظهور و بروز یافته‌اند، مردم در گزینش مراجع فکری خود دچار سرگردانی شده‌اند.

پس از آنکه فرد یا گروهی از افراد، جمعی از نگرش‌ها، ارزش‌ها، منافع و علائق جمعی جامعه‌ای را در خود متبلور می‌سازند، دیگر صرفاً شخصی منفرد نیستند. بلکه ساختاری هدایت‌کننده، نظم‌دهنده و شکل‌دهنده مجموعه وسیعی از روابط متقابل و کنش‌های فردی و اجتماعی محسوب می‌شوند.

امروزه بخش اعظم درک مخاطبان از مسائل روزمره، نه بر پایه استدلال و مطالعات علمی خود، بلکه متأثر از دیدگاه سلبریتی‌ها و میکروسلب‌ریتی‌هایی است که در دنیای موسوم به عصر ارتباطات پرورش یافته‌اند.

از اوایل قرن بیستم، با ظهور رسانه و صنعت سینما پدیده‌ای نوین به نام سلبریتی پا به عرصه نهاد. سلبریتی در تعریف آکادمیک آن، فرد مشهوری با برخورداری از یک وجهه و دستاورد‌های عمومی، دارای پیوند ناگسستنی با رسانه‌ها و تلاش برای کسب شهرت آن هم شهرتی که واجد ارزش تجاری است تعبیر می‌شود؛ افرادی که شهرت به شغل آنان بدل گردیده یا به دیگر عبارت، سلبریتی را می‌توان به نوعی شکل مدرن شده شهرت دانست. واژه‌ای که اساساً با فرهنگ غرب، به علت نگاه ابژکتیو به انسان به عنوان نیروی مولد ارزش افزوده اقتصادی گره خورده چراکه همگونی زیادی با ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ غربی از جمله فردمحوری، لذت‌گرایی، نفع‌گرایی و مصرف‌گرایی و حتی اقتصاد بازار آزاد و مصرف‌گرایی دارد.

اگرچه رشد فرهنگ سلبریتی پروری و معضلاتی که در پی رواج این فرهنگ پدیدار می‌گردد از جنبه‌های مختلف قابل واکاوی است لکن آنچه در این نوشتار به آن پرداخته خواهد شد ورود و دخالت این اشخاص در شئون مختلف سیاسی-اجتماعی به عنوان یکی از معضلات کنونی جامعه است.

نمی‌توان انکار نمود که سلبریتی‌ها یکی از چهره‌های اثرگذار بر روح جامعه و به تبع آن رفتار جامعه



البته ذکر این نکته نیز ضروری است که قاعدتا نمی‌توان حق اظهار نظر از سلبریتی‌ها را سلب نمود و آنان نیز مانند دیگر افراد جامعه حق اظهار نظر دارند لکن معضل زمانی ایجاد خواهد شد که سلبریتی‌ها ورای نظر شخصی در مسائل مختلف، به‌عنوان مرجع عمومی قرار می‌گیرند

در انتخابات حضور پررنگی ایفا کردند و با داغ کردن هشتگ تا ۱۴۰۰ با روحانی بسیاری از مردم را با خود همراه نموده و در جذب آرا برای حزب مورد نظر موفق عمل کردند. کارکرد تبلیغاتی این دست از سلبریتی‌ها در واقع تنها ظاهر ماجرا است. آنچه با ورود آنان به عرصه تبلیغات اتفاق افتاد ساده‌سازی و تنزل مفهوم مشارکت آگاهانه در انتخابات بود. آنان بدون آنکه اشرافی بر اوضاع سیاسی جامعه داشته باشند، به عنوان یک هیچ‌چیز ندان اما در قامت یک کنشگر سیاسی گزاره‌های مختلف را بدون ارائه هیچ‌گونه راه‌حلی مورد تحلیل و نقد قرار دادند. دلیل این امر هم مشخص بود، آنها سیاستمدار نبودند. سلبریتی‌ها عمدتاً سرمایه خود را از عرصه دیگری کسب کرده و آن سرمایه را به عرصه سیاست می‌آورند و با آن نقش جدیدی را ایفا می‌کنند؛ در حالی که عرصه سیاست نیازمند دانش و تخصص خاص خود است و سلبریتی‌ها غالباً افرادی فاقد تحصیلات آکادمیک و تجربه عملی در مسائل سیاسی و اقتصادی هستند و در نتیجه صلاحیت لازم در این حیطه را ندارند. فرجام این کنشگری بدون سرمایه در عرصه سیاست می‌شود تحریف واقعیت موجود در اثر انتخاب هیجانی و احساسی و سرانجام تواب شدن در میانه راه پس از انتخابات!

البته ذکر این نکته نیز ضروری است که قاعدتا نمی‌توان حق اظهار نظر از سلبریتی‌ها را سلب نمود و آنان نیز مانند دیگر افراد جامعه حق اظهار نظر دارند لکن معضل زمانی ایجاد خواهد شد که سلبریتی‌ها ورای نظر شخصی در مسائل مختلف، به‌عنوان مرجع عمومی قرار می‌گیرند. در واقع، سلبریتی‌ها فراتر از نقش معمول خود، به تدریج جایگاه نخبگان، متخصصان و روشنفکران جامعه را می‌گیرند و در درازمدت در جایگاه رهبران فکری

در جامعه، به افکار عمومی و جامعه جهت می‌دهند. البته مشکل تنها به غبارآلودی مرجعیت فکری و جانشینی سلبریتی‌ها به جای نخبگان و روشنفکران محدود نمی‌شود. مشکل دیگر سلبریتیزه شدن نخبگان و روشنفکران جامعه است؛ بدین معنا که نخبگان و متخصصان برای ادامه حیات و بقای خویش در جامعه مجبور می‌شوند تا به مناسبات شرایط کنونی تن در دهند و در ورطه سلبریتی‌شدگی فرو روند. مسئله‌ای که در نهایت منجر به تهدید زندگی تاملی و پیشروی به سوی نظرات غیرکارشناسانه و غیرمسئولانه خواهد شد.

با توجه به آنکه یکی از عوامل تولید و رشد سلبریتی در جامعه ایران، عدم سیاست‌های فرهنگی منسجم و دقیق می‌باشد که محیط را برای رشد ضایعات و هرزه‌گری‌های فرهنگی آماده می‌سازد، حضور فعالانه و آگاهانه عامه مردم در مقابله با این معضل اهمیت می‌یابد. بنابراین پیشگیری از آسیب‌های انتخاباتی و خسارت‌های احتمالی سلبریتیزاسیون، دقت عمل مردم در انتخابات را می‌طلبد و شناخت ماهیت سلبریتی خود نخستین گام برای جلوگیری از سلبریتیزه شدن فضای انتخابات است. در صورتی که جامعه نسبت به کارکرد و جایگاه سلبریتی آگاه شود، حوزه بازیگری او به طور طبیعی از سوی مردم و مخاطبان روشن شده و این امر مانع از ورود به عرصه‌های خارج از تخصص سلبریتی‌ها خواهد شد. زمانی که جامعه به این باور برسد که انتخاب باید مبتنی بر شاخص‌ها و معیارهای صحیح و پذیرفته شده باشد، تلاش در جهت افزایش دقت و هوشیاری در انتخابات و رای‌عالمانه و هوشمندانه به کاندیدای موردنظر، سرلوحه آنان قرار گرفته و آنگاه مفهوم مشارکت آگاهانه تحقق خواهد یافت.

این وعده‌های انتخاباتی را ثبت و ضبط کند و بعد از اتمام زمان انتخابات به طور مداوم و با برنامه ریزی زمانی مثلاً هر فصل سال یا هر چند ماه از سال آن کاندید انتخاب شده را بنشانند و وعده‌هایش را مطرح کنند و پاسخ بخواهند و حرف مردم را هم به گوش آن مسئول برسانند مثلاً می‌توان این کار را در قالب مناظره‌های تلویزیونی انجام داد.

در این صورت کاندیداها مجبور می‌شوند یا وعده ای ندهند و یا اگر وعده ای را دادند پای آن بایستند و تا پایان مسئولیت خود، آن را گام به گام عملی کنند.

مثلاً اینکه کاندیدی می‌آید و دم از آزادی میزند، ما باید بعد از انتخاب شدنش برای مسئولیت مورد نظر او را مورد سوال قرار بدهیم که اولاً تعریف آزادی در نظر او چیست؟ دوماً مگر در جمهوری اسلامی ایران آزادی چقدر مغفول مانده است؟ سوماً آیا مسئله اول کشور آزادی بوده است؟ چهارماً حال که آن مسئول انتخاب شده است پس پر کردن شکاف‌های آزادی که در نظر او وجود داشته است چگونه بوده است؟

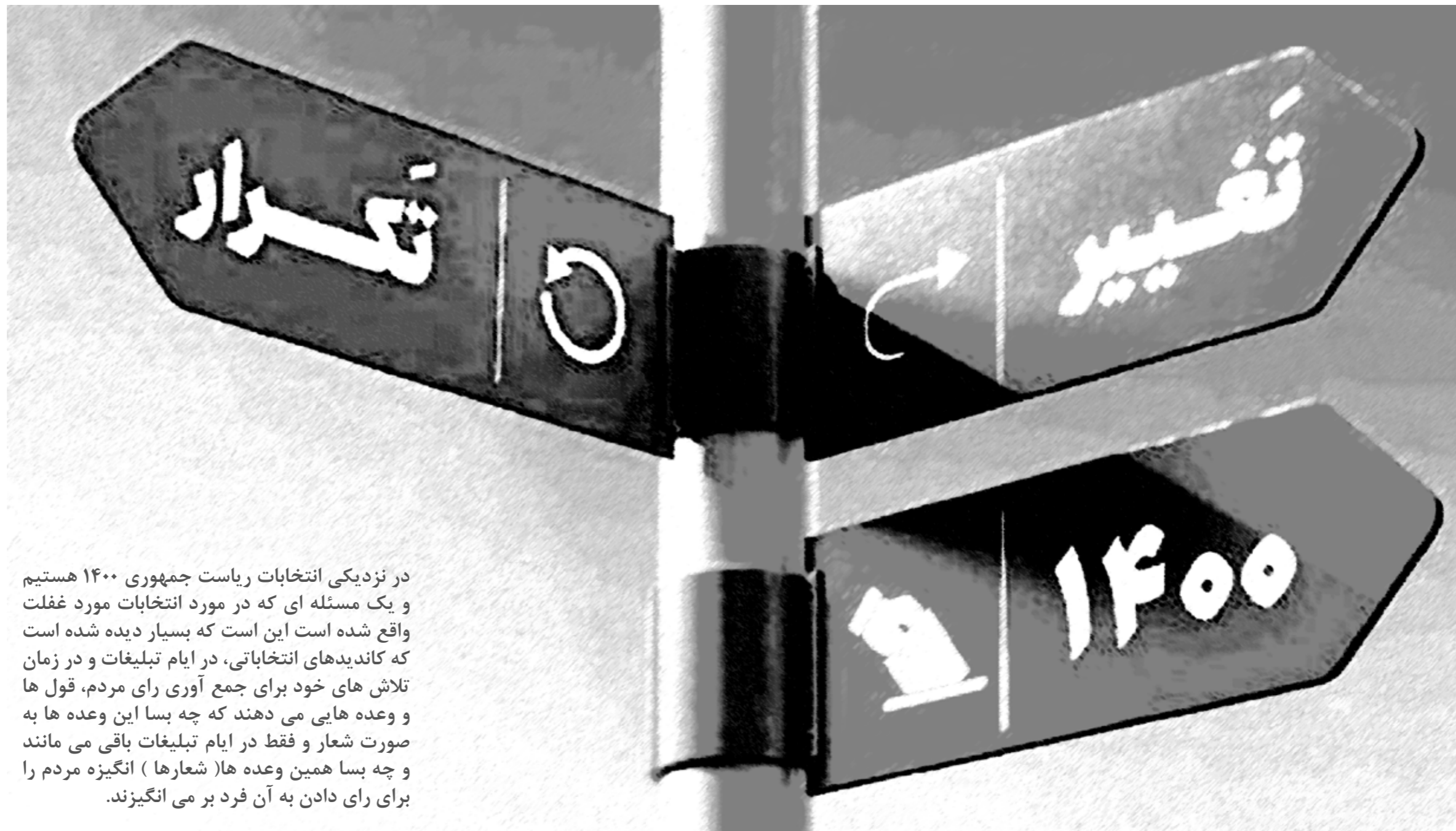
یا به عنوان مثالی دیگر؛ کاندیدی که می‌آید و دم از دموکراسی میزند، از او بخواهیم روشن کند و پاسخ دهد که تعریف او از دموکراسی چیست؟ اولویت مسائل کشور در نظر او چیست؟ آیا راه حل مناسب برای حل مسائل همین دموکراسی است یا راه حل چیز دیگری است؟ حال که آن فرد انتخاب شده است حل مسائل کشور از طریق دموکراسی به کجا رسیده است و تا کجا عملی شده است؟

اینجاست که ترس پاسخ دهی به مردم، باعث می‌شود کاندیداها وعده‌هایی بدهند که هم مسئله‌اند و هم قابل حل شدن هستند و برای عملی کردن وعده‌هایشان اقدام کنند.

این یک مسئله انتخاباتی است که در این یادداشت سعی شد راه حلی هرچند سطحی برای آن داده شود. ولی بخش‌های نظارتی بر انتخابات و بخش‌های نظارتی بر عملکرد مسئولین منتخب مردم، موظفانند بنشینند و مسائل از این دست را حل کنند و روش‌های کارشناسی شده‌ی دیگری را هم ارائه دهند و به اجرا برسانند.

امید است که به انتخابات و همه‌پرسی مطلوب اسلامی برسیم؛ البته که یکی از راه‌های آن همین یافتن مسائل و شکاف‌های انتخابات و پیگیری و حل آنها می‌باشد.

**گاهی ممکن است مسئولی در رابطه با وعده‌های انتخاباتی‌اش توضیحی بدهد ولی این توضیحات نباید در فضای مجازی و به صورت یکطرفه صورت بگیرد که این در واقع برای مسئول ایجاد یک خانه امن است**



در نزدیکی انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ هستیم و یک مسئله ای که در مورد انتخابات مورد غفلت واقع شده است این است که بسیار دیده شده است که کاندیدهای انتخاباتی، در ایام تبلیغات و در زمان تلاش‌های خود برای جمع آوری رای مردم، قول‌ها و وعده‌هایی می‌دهند که چه بسا این وعده‌ها به صورت شعار و فقط در ایام تبلیغات باقی می‌مانند و چه بسا همین وعده‌ها (شعارها) انگیزه مردم را برای رای دادن به آن فرد بر می‌انگیزند.

اما بعد از گذشت مدتی از رای گیری و رسیدن آن فرد به مقام مورد نظر، بسیار دیده و تجربه شده است که خیلی از این شعارها و وعده‌ها مغفول می‌مانند و نه خود آن مسئول پیرامون آنها بحث و رسیدگی می‌کند و نه مردم به دنبال این هستند که پس این وعده‌ها چه شد؟ آیا این وعده‌ها عملی شدند یا خیر؟ اگر قابل اجرا نیستند پس توجیه مناسب از سوی مسئول مربوطه برای عدم امکان اجرا کجاست؟

البته گاهی ممکن است مسئولی در رابطه با وعده‌های انتخاباتی‌اش توضیحی بدهد ولی این توضیحات نباید در فضای مجازی و به صورت یکطرفه صورت بگیرد که این در واقع برای مسئول ایجاد یک خانه امن است.

در این زمینه باید صدا و سیما، تلویزیون، رسانه‌ها، روزنامه‌ها و بخش‌های نظارتی بر عملکرد مسئولین ورود کنند و به طور دقیق

## ویرانی خانه امن

ثبت وعده‌ها و شعارهای کاندیدها و پیگیری و درخواست آنها از کاندید انتخاب شده

کوثر پاریزی

📍 @anjomanalzahra

